



انجمن علمی فخر جزای تطبیقی ایران

Journal of

Comparative Criminal Jurisprudence

www.jccj.ir



انجمن علمی فخر جزای تطبیقی

Volume 2, Issue 5, 2023

Participatory Criminal Policy against Cultural Crimes

Farzaneh Nikfarjam¹, Seyed Hossein Hosseini*², Abbas Sheikholeslami³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 439-450

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5704-2573

TELL: +985138803000

Email: shosseini785@um.ac.ir

Article history:

Received: 28 Aug 2022

Revised: 23 Sep 2022

Accepted: 27 Dec 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Cultural Crimes,
Participatory Criminal
Policy, People's
Participation, Government
Response, Community
Response.

ABSTRACT

Cultural crimes are crimes that are committed with the main purpose of violating culture, belief, norms and custom. Participatory criminal policy is the participation of civil society at different levels with the aim of preventing and intervening the society. Regarding cultural crimes, there are two government and community responses, and the main place of public participation is in the community response. This research answers the question with descriptive analytical method and using library findings: what is the approach of participatory criminal policy against cultural crimes? Participatory criminal policy can play a significant role in controlling cultural crimes, but the capacities of public participation have not been well explained and used so far. Participatory criminal policy follows the two approaches of strengthening people's participation in government response and strengthening people's participation in community response, which in community response, the effectiveness of participatory criminal policy measures is more than measures in government response. It has various and important challenges in controlling cultural crimes that reduce its effectiveness. Cultural crimes can be divided in the form of property, behavior, dressing and expanding prostitution. Participatory criminal policy has a long way to go to achieve optimal conditions in the implementation of its goals.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Nikfarjam, F; Hosseini, SH & Sheikholeslami, A (2023). "Participatory Criminal Policy against Cultural Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 439-450.



فصلنامه فقر جزای تطبیقی



دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی

فرزانه نیک فرجام^۱، سید حسین حسینی^{۲*}، عباس شیخ‌الاسلامی^۳

۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
 ۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)
 ۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

جرائم فرهنگی، جرائمی هستند که افعال مادی ارتکاب آن، با هدف اصلی نقض فرهنگ، باور، هنجار و عرف صورت می‌گیرد. سیاست جنایی مشارکتی نیز، مشارکت جامعه مدنی در سطح مختلف باهدف پیشگیری و مداخله‌گری جامعه است. در قبال جرائم فرهنگی دو پاسخ دولتی و جامعوی ارائه می‌شود که جایگاه اصلی مشارکت مردمی، در پاسخ جامعوی است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از یافته‌های کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ می‌دهد که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرائم فرهنگی چیست؟ سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند در کنترل جرائم فرهنگی نقش بهسزایی داشت باشد ولی ظرفیت‌های مشارکت مردمی، تاکنون به خوبی تبیین و استفاده نشده است. سیاست جنایی مشارکتی، دو رویکرد تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی و تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی را دریاب می‌کند که در پاسخ جامعوی، تأثیرگذاری اقدامات سیاست جنایی مشارکتی بیشتر از اقدامات در پاسخ دولتی است. چالش‌های گوناگون و مهمی در کنترل جرائم فرهنگی دارد که تأثیرگذاری آن را کاهش می‌دهد. جرائم فرهنگی در قالب اموال، رفتار، پوشش و نشر فحشا قابل تقسیم‌بندی است. سیاست جنایی مشارکتی، برای رسیدن به شرایط مطلوب در اجرای آرمان‌های خود، راه طولانی در پیش دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۴۳۹-۴۵۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۲۵۷۳-۰۴-۰۷۲

تلفن: +۹۸۵۱۳۸۸۰۳۰۰۰

ایمیل: shosseini785@um.ac.ir

ساقیه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

وازگان کلیدی:

جرائم فرنگی، سیاست جنایی، مشارکت مردم، پاسخ دولتی، پاسخ جامعوی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیر تجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

اسلام به عنوان نشر فساد و فحشاء معرفی می‌شود، این جرائم را دارای چهره مذهبی و سیاسی می‌کند؛ زیرا فرهنگ با موضوع مذهب و سیاست درآمیخته است و بنیان‌های فرهنگی، مبتنی بر مذهب و سیاست، ساخته می‌شود (بدیع، ۱۳۷۶: ۸۸؛ بیبانی، ۱۳۸۶: ۲۱).

- جرم‌انگاری برخی از این جرائم (درواقع، همه جرائم فرهنگی به جز جرائم علیه اموال فرهنگی)، با اصل استقلال فردی تعارض دارد (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۷۸). مطابق این اصل، پوشش، رابطه شخصی (رابطه نامشروع، نگهداری داده مستهجن) مطابق با آزادی عقیده افراد است و هر شخص، مسیر زندگی خود را انتخاب می‌کند و با جرم‌انگاری برخی از این جرائم، این عبارت مفهوم پیدا می‌کند که «عده‌ای از افراد جامعه برای دیگران تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف می‌کنند و قصد دارند آن‌ها را به‌اجبار، هدایت کنند.»

- این جرائم برهم زننده نظم عمومی و اجتماعی است و الزامی به ارتکاب آن در سطح عمده یا کلان وجود ندارد. بلکه در یک جامعه محلی کوچک نیز قابل تحقق است (اکبری و قناد، ۱۳۹۵: ۴۴).

- دیدگاه نسبت به این جرائم، با سطح اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تغییر می‌کند. مثلاً در یک جامعه، ممکن است این جرائم از دیگر جرائم اهمیت بیشتری داشته باشد ولی در مناطق دیگر یا جوامع دیگر، این جرائم، خرد و سطحی محسوب شود یا حتی ممکن است مذموم دانسته نشود (پرسدی، ۱۳۹۶: ۳۴).

- در برخی از این جرائم، شخص (حقیقی یا حقوقی) به عنوان بزه‌دیده مستقیم شناخته نمی‌شود بلکه باور جامعه بزه‌دیده مستقیم است و با جنبه فرهنگی جرائم، تفاوت دارد (آقائی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

اساساً نقض حقوق انسان‌ها، حیوانات، محیط‌زیست و... نوعی تداخل و تعارض فرهنگی دارد ولی نمی‌توان به تمامی این جرائم، وصف فرهنگی را الحاق کرد. به طور مثال، در جرم قاچاق انسان، کشتن حیوانات بی‌آزار و فروش گوشت آنان به‌جای دیگر حیوانات یا تخریب محیط‌زیست، اگرچه مرتكب

جرائم فرهنگی از جمله جرائمی هستند که تعریف، تعیین معیار و مصاديق آن، با دشواری رو به رو است و هنوز عبارت «جرائم فرهنگی» جایگاه خود را در حقوق کیفری ایران با چنین ترکیبی به دست نیاورده است. با این حال، پیشینه ارتکاب این جرائم، طولانی‌تر از هر قانون و حقوقی است و نیاز به پاسخ‌دهی نسبت به این جرائم به دلیل آثار سوء آن، از نظر شرعی، عقلی و اجتماعی، ضروری تلقی می‌شود. سوال اصلی تحقیق این است که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرائم فرهنگی چیست؟ علت پرداختن به سیاست جنایی مشارکتی، این است که سیاست جنایی مشارکتی، در تلاش است تا در مقابل پدیده مجرمانه، از طریق مشارکت مردم و جامعه با استفاده از ابزارهای عدالت کیفری تتبیه و نیز عدالت ترمیمی، شرایط مناسب برای مثلث پدیده مجرمانه یعنی بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه فراهم کند. ویژگی اصلی سیاست جنایی مشارکتی، استفاده گسترده از جامعه مدنی است که علاوه بر نهادهای قضایی، با کمک رسانه و انجمن‌ها و شهرداری‌ها، شرایط مناسب برای برقراری نظم در جامعه را فراهم کند (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۶۳). این سیاست برای قبل و بعد از وقوع پدیده مجرمانه برنامه دارد ولی هدف اصلی آن، مربوط به قبل از وقوع پدیده مجرمانه است که با گسترش این اقدامات، واکنش اجتماعی متناسب را تبیین می‌کند. اگر فرهنگ جامعه، مورد تعرض قرار بگیرد، با توجه به جایگاه فرهنگ، باید نسبت به آن، اقدام متناسب صورت گیرد تا خدشه به فرهنگ و ساختارهای فرهنگی عمق پیدا نکند و شرایط اجتماعی فرهنگی، به حالت مطلوب بازگردد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۴). به همین منظور لازم است تا در خصوص «سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرائم فرهنگی» با توجه به ویژگی‌های اجتماعی جرائم فرهنگی، راهکارهای موجود در آن شناسایی و بررسی شود. جرائم فرهنگی دارای ویژگی‌های زیر است:

- برخی از این جرائم (درواقع، همه جرائم فرهنگی به جز جرائم علیه اموال فرهنگی)، متأثر از مذهب و سیاست است: زمانی که موضوع حجاب و پوشش مطرح می‌شود یا ملاک رفتار مردم در اجتماع، شرع اسلامی است یا اعمال متضاد با

اقتصادی مبتنی بر تزویر است (گسن، ۱۳۹۲: ۲۶). مانند جرائم اخلاقی که اخلاق، بزه‌دیده و رکن مادی این جرائم، نقض اخلاق است (سبجادی، ۱۴۰۰: ۱۷). البته جرائم فرهنگی برخلاف دو گونه جرائم اقتصادی و اخلاقی، دارای جرم‌شناسی خاص و اختصاصی است. «جرائم‌شناسی فرهنگی»، دربرگیرنده دیدگاهها و گرایش‌ها موجود در جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و عدالت کیفری است و نقش ساختارهای فرهنگی در وقوع جرم را بررسی می‌کند. (فرهنگ مجرمانه) با کمک جرم‌شناسی فرهنگی، می‌توان تحلیلی فرهنگی از بزهکاری نمود و مطالعاتی در دو محور: جرم‌شناسی و آموزه‌های فرهنگی صورت داد (گسن، ۱۳۷۰: ۴۱). جرم‌شناسی فرهنگی، با استفاده از نگرش فرهنگی و اجتماعی، سعی دارد تا چگونگی رخداد یک جرم را باوجود برنامه‌هایی که برای کاهش بزهکاری طراحی شده‌اند توضیح دهد و نیز به چگونگی شکل‌گیری انحرافات و انشعابات فرهنگی و مقاومت آن‌ها در برابر قوانین کیفری پی برد (آقائی، ۱۳۹۷: ۳۱).

تعارضات فرهنگی که به دو شیوه بزه و انحراف به وجود می‌آیند، دارای انواع مختلفی است که به سه دسته بزه فرهنگی کیفری و تخلف فرهنگی کیفری و انحرافات فرهنگی کیفری تقسیم می‌شود. تخلفات فرهنگی کیفری به سه‌شاخه تخلف انتظامی فرهنگی، تخلف انصباطی فرهنگی و تخلف اداری فرهنگی تقسیم می‌شود. گونه‌های انحراف فرهنگی عبارت‌اند از: خردفرهنگ مجرمانه، خردفرهنگ انحرافی و خردفرهنگ انصباطی. بزه فرهنگی نیز دارای دو ضابطه جرم‌شناختی و فرهنگ است که بنا بر ضابطه جرم‌شناختی، انگیزه مرتكب، آثار رفتار وی و محیط ارتکابی جرم به شناخت جرم فرهنگی کمک می‌کند و مطابق با ضابطه فرهنگی، هر عمل نابهنجاری که متعارض با شوون و فرهنگ جامعه باشد، چهره این جرائم را معرفی می‌کند. اگر نابهنجاری در قانون، جرم‌شناخته شود و تدبیر کیفری برای آن اتخاذ شود، جرم یا بزه فرهنگی است و اگر تخلف محسوب شود و مجازات انتظامی یا انصباطی داشته باشد، تخلف فرهنگی است.

آن را بی‌توجه به فرهنگ و باور جامعه می‌دانیم ولی جزء جرائم فرهنگی محسوب نمی‌شود.

بدین ترتیب، ابتدا مفهوم و مصادیق جرائم فرهنگی شناسایی و تبیین می‌شود تا از طریق آن، مدل مفهومی و الگوی معیار‌شناسی، طراحی و بر پایه آن، راهکارهای سیاست جنایی مشارکتی معرفی شود. در ادامه، پاسخ‌ها به جرائم فرهنگی در سیاست جنایی مشارکتی بررسی می‌شود.

پیش از پرداختن به این بحث لازم است تا در قبال پیشینه موضوع جرائم فرهنگی، این توضیح داده شود که آثار متعددی (آسیایی، ۱۳۹۶؛ آقائی، ۱۳۹۷؛ پرسدی، ۱۳۹۶؛ زینالی، ۱۳۹۴؛ محمدی، ۱۳۹۲؛ ابراهیمی جرجانی، ۱۳۹۷) در تشریح و تبیین جرائم فرهنگی و یا جرم‌شناسی فرهنگی تهیه شده است که اگرچه برخی از آثار به بیان جرائم حوزه فرهنگ (زینالی، ۱۳۹۴: ۵۲-۴۶) اقدام نموده‌اند ولی کمتر اثری، به رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی، پرداخته است. از طرفی، تعریف و مصادیق جرائم فرهنگی، همچنان محل اختلاف و تبادل نظر است که پرداختن به آن را توجیه می‌کند.

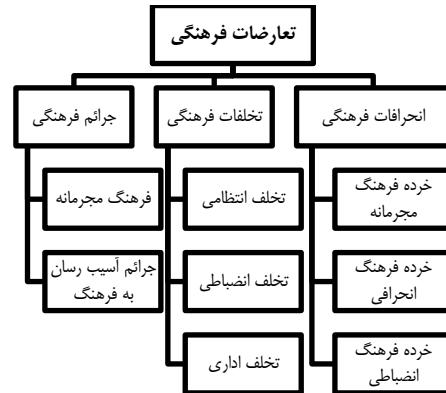
۱- مفهوم و مصادیق جرائم فرهنگی در حقوق کیفری ایران

«فرهنگ» در لغت به معنی «ادب، تربیت، دانش، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و مهارت یک قوم» است و به فرد دارای فرهنگ، با فرهنگ گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۵: ۷۲۹). فرهنگ دارای مفهومی اجتماعی و عرفی است که عناصر تشکیل‌دهنده آن عبارت است از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، انگارهای رفتاری، تعارض نقش‌ها و منزلت اجتماعی که در هر جامعه‌ای و قومیتی تفاوت دارد (آقائی، ۱۳۹۷: ۴۷). منظور از جرائم فرهنگی، فعل یا ترک فعل یا حالت یا رفتاری است که ناشی از بی‌توجهی و تعارض با فرهنگ عامه و مسلم جامعه صورت می‌گیرد. این فرهنگ باید دارای ویژگی‌های مقبولیت و مشروعيت در جامعه باشد و حسن ذاتی و عقلی بر آن صادق باشد. در جرائم فرهنگی، فرهنگ جامعه بزه‌دیده مستقیم است و رکن مادی جرم، با صفت نقض فرهنگ جامعه، همراه است؛ مانند جرائم اقتصادی که نظم اقتصادی جامعه به عنوان بزه‌دیده و رکن مادی آن، نقض شرایط

نگریسته شود، چالش وسعت مفهوم و قلمرو فرهنگ، موجب گستردگی جرائم فرهنگی می‌شود. از طرفی، ارتکاب این جرائم، اگرچه جنبه فرهنگی دارد ولی در برخی از این موارد، حمایت از فرهنگ، هدف ثانویه قانون‌گذار است. به عبارت دیگر، در این موارد، چهره عنصر مادی جرائم، صرفاً فرهنگی نیست اگرچه امنیت فرهنگی از طریق ماهواره و امثال آن، مورد تعرض قرار می‌گیرد. (برای مطالعه نظر مخالف، رک. به: زینالی، ۱۳۹۴: ۴۸-۵۰ و جلالیان و ایل زکی، ۱۳۹۶) با این حال، علاوه بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، مواد مربوط به تهیه و انتشار آثار مستهجن یا مبتذل خانوادگی و سوءاستفاده از آن، در زمرة جرائم فرهنگی قرار می‌گیرد (مواد ۳، ۴، ۵ و ۱۰). قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند (۱۳۸۶). موضوع شرب خمر و مصرف مشروبات الکلی نیز که از نظر برخی از محققان به عنوان خردۀ فرهنگ مجرمانه (محمدی، ۱۳۹۷) یا جرم فرهنگی (زینالی، ۱۳۹۴: ۳۱۴) معرفی شده است، در این تحقیق به عنوان جرم فرهنگی محسوب نمی‌شوند؛ زیرا فرهنگ جامعه با مصرف مشروبات الکلی بزهیده نمی‌شود و منطبق بر تعریف مذکور در این تحقیق نیست. درنهایت آن‌که از تعبیر برخی از جرم‌شناسان نیز نباید غافل شد که جرائم فرهنگی، کارناوالی (جشنواره - مجموعه) از جرائم مختلف است که بسترها بی مانند مصرف‌گرایی و لذت بردن از جرم دارد و زاده سرمایه‌داری و خانواده ضعیف و آموزش نامناسب است که از رفتارهای منحرفانه به اعمال مجرمانه می‌رسد (پرسدی، ۱۳۹۶: ۲۱).

درنهایت، خردۀ فرهنگ مجرمانه و جرائم فرهنگی به اقسام زیر تقسیم شده است:

مدل مفهومی ۱: اقسام تعارضات فرهنگی

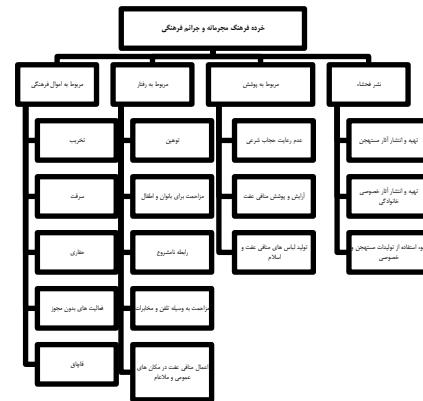


از میان تعارضات فرهنگی فوق، خردۀ فرهنگ مجرمانه از زیرمجموعه انحرافات فرهنگی و شاخه جرائم فرهنگی، محور اصلی این تحقیق است. گستردگی مفهوم و قلمرو فرهنگ، موجب می‌شود تا دسته‌بندی این جرائم، همواره با چالش رو به رو باشد. با این حال، جرائم فرهنگی، ممکن است در قبال اموال فرهنگی باشد که تخریب، سرقت، حفاری غیرمجاز، فعالیت‌های بدون مجوز، قاچاق نسبت به اموال تاریخی، باستانی، فرهنگی، مذهبی است. (مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۳ و ۵۶۴) قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) همچنین ممکن است این جرائم فرهنگی مبتنی بر رفتار متعارض فرهنگی باشد که عبارت‌اند از: توهین، مزاحمت برای بانوان و اطفال، رابطه نامشروع، عدم رعایت حجاب شرعی، اعمال منافي عفت، مزاحمت به وسیله تلفن و مخابرات، انتشار تصاویر مستهجن (مواد ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۳۸، ۶۳۹ و ۶۴۱) قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) و مواد مربوط در قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۸۸). البته موضوعات مختلف در قوانین خاص مانند قانون مطبوعات (۱۳۶۴) و اصلاحات بعدی، قانون نحوه مجازات فعالیت در امور سمعی و بصری (۱۳۸۶) و قانون منوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (۱۳۸۳) به حوزه فرهنگ ارتباط دارد (زینالی، ۱۳۹۴: ۴۶) که با تعریفی که در این تحقیق از جرائم فرهنگی ارائه شده است، استفاده از ماهواره یا نشر اکاذیب در مطبوعات را جرم فرهنگی محسوب نمی‌شود و دارندگان دستگاه دریافت‌کننده ماهواره را ناقض فرهنگ جامعه تصور نمی‌شوند؛ زیرا اگر قرار باشد هر موضوع مجرمانه‌ای، از زاویه فرهنگی به آن

نظام فعلی در هر سه اهداف نظام عدالت کیفری، کارآمد تلقی نمی‌شود (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴: ۴۲). به همین منظور است که آرمان کیفر در سیاست کیفری ایران، ارعاب پذیری سایر بزهکاران مطرح شده (садاتی، ۱۳۹۸: ۶۸) ولی باید به آرمان ارعاب‌پذیری مرتکب جرم و اصلاح بزهکار تغییر مسیر دهد. واقعیت کیفر در سیاست کیفری ایران قدرت‌نمایی نظام عدالت کیفری است (садاتی، ۱۳۹۸: ۷۳) ولی باید به مشارکت اجتماعی تغییر کند. کیفر در حقوق ایران از ساختار قدرت، اقتدار، ارعاب و تک ساختی تشکیل شده است (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴: ۶۱) ولی می‌تواند در کنار ساختار سخت‌گیری، به مشارکت جامعه مدنی، عدالت ترمیمی، اصلاح بزهکار و انعطاف قضایی تغییر داد. حقیقت این است که جامعه مدنی، تمایل به سرمایه‌گذاری در سیاست جنایی مشارکتی دارد تا از یک‌سو، پیشگیری از جرم را به عینیت تبدیل کند و هم کیفر رساندن را با شیوه فایده‌مندی و منفعت‌گرایی دنبال کند. برای همین منظور است که در سیاست جنایی مشارکتی، پیشگیری از بزهکاری به صورت خاص، به پیشگیری از جرم در مدیریت شهری تغییر رویکرد داده است. همچنین سیاست‌های پیشگیرانه، مدنی و کارآمد می‌شود. از طرفی برای کیفر رساندن، پلیس از ابزارهای بیشتر فعال‌تری برای مقابله با بزهکار در اختیار دارد و حمایت از بزهده‌یده و گزارش بزهده‌یدگی از طریق جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد محقق می‌شود (لازره، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۸۰).

در قبال پدیده مجرمانه، دو پاسخ دولتی و جامعوی وجود دارد. در پاسخ دولتی، اگرچه منافعی همچون اقتدارگرایی، سرعت در پاسخ به پدیده مجرمانه و برقراری نظم وجود دارد؛ ولی ابهاماتی همچون کاهش آزادی‌های انسانی، تضییع کرامت انسانی، حذف جامعه محلی، حذف بزهکار و افزایش تکرار جرم در آن نهفته است (اکبری و قناد، ۱۳۹۵: ۱۳۸-۱۶۶). ساختار مطلوب سیاست جنایی، تلفیق پاسخ دولتی با جامعوی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۴۹). منظور از پاسخ جامعوی، همان رویکرد ارگانیک جامعه به پدیده مجرمانه است که بزهده‌یده را درک نموده و از او دلجویی می‌کند؛ علت بزهکاری و شرایط بزهکار را کشف می‌کند و پاسخی متناسب

مدل مفهومی ۲: اقسام خرده‌فرهنگ مجرمانه و جرائم فرهنگی



۲- پاسخ‌ها به جرائم فرهنگی در سیاست جنایی مشارکتی در حقوق کیفری ایران، رویکرد مناسب برای جرائم فرهنگی، سیاست کیفری تنبیه‌ی و عدالت مطلق است و تسامحی در آن دیده نمی‌شود و سخت‌گیرانه محسوب می‌شود (زینالی، ۱۳۹۴: ۶۹). بدین معنا که به قانون‌گذار همواره پیشنهاد می‌شود در جرم‌انگاری برخی از موضوعات، صرف‌نظر و جرم‌زدایی کند. ولی در حقوق ایران، از شدیدترین کیفر مانند اعدام تا گونه‌های دیگر کیفر مانند حبس، شلاق و جزای نقدی پیش‌بینی شده است و علی‌رغم اتخاذ کیفر در سیاست جنایی تقنینی و اجرای آن در سیاست جنایی قضایی، هنوز نتوانسته است شرایط مناسبی در کنترل این جرائم ایجاد شود. سیاست کیفری، جزء و رکنی از سیاست جنایی است که در شاخه سیاست جنایی تقنینی و مبتنی بر اصل قانون بودن حقوق جزا، ظاهر می‌شود. نتیجه همکاری علم جرم‌شناسی و حقوق جزا، علم سیاست کیفری به وجود می‌آید که روش صحیح مبارزه با جرم است. سیاست کیفری مبتنی بر نظریات جرم‌شناختی و یافته‌های علمی و متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی، در واکنش به پدیده مجرمانه است (دلماس مارتی، ۱۳۹۸: ۱۶ و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۳۷-۲۳۸). افزایش جرم‌انگاری بدون توجه به زیرساخت‌های پیشگیری و درمان بزهکاران، ضمن ایجاد محدودیت و امنیت‌گرایی در جامعه، افزایش بزهکاری را به همراه دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۴۱). از طرفی نظام عدالت کیفری، تنها موظف به کیفر رساندن بزهکاران نیست؛ بلکه وظیفه اصلی نظام عدالت کیفری، اجرای عدالت، برقراری نظم و کاهش جرم است که

رویکردی تعامل‌گرا مبتنی بر آرمان و واقعیت است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۵).

باید به این مطلب نیز توجه کرد که پیشگیری از جرم و انحراف در سه سطح صورت می‌گیرد: سطح نخست، سطح عمومی است که در این سطح، سه ابزار رسانه، آموزش (پیشگیری رشد مدار) و فضای مجازی، می‌تواند باور فرهنگی در قبال جرائم فرهنگی را تشریح و ترویج دهد. به عبارت دیگر اگر پیام بازارگانی مبتنی بر پیشگیری از جرم پخش می‌شود مانند آنکه در زمان عصباتیت، کظم غیظ نموده یا خشونت نداشته باشد و... برای همه افراد در سطح عمومی، قابل درک باشد و مخصوص گروه خاصی نباشد. سطح دوم، پیشگیری از جرم و انحراف برای گروه‌های خاص است که عبارت‌اند از اطفال، زنان، سالمندان، معلولین، بیماران، اقلیت‌های مذهبی، مهاجرین و افراد محجور (مجنون و سفیه). در قبال هر گروه، اگرچه ابزار رسانه، آموزش و فضای مجازی کاربرد دارند ولی سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های خاص حمایتی که متشکل از آحاد جامعه است، نقش مناسب خود را ایفا می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۲۹-۱۳۴). به طور مثال، در خصوص افرادی که ترک انتیاد کرده‌اند، سازمان‌های مردم‌نهاد یا گروه خاص اقدام به بررسی مشکلات آنان و حمایت از آنان نموده و با برگزاری جلسات مختلف، انگیزه و شرایط آنان را رصد می‌کند و نوعی کنترل اجتماعی از جرم و انحراف صورت می‌گیرد. سطح سوم، پیشگیری از جرم و انحراف در مدیریت شهری است که این موضوع با اقتصاد شهری، معماری شهری، مشاغل شهری و تعامل شهروندان با بزهکار، همراه است. این سطح، انعکاس شهر عدالت ترمیمی است (شیری، ۱۳۹۶: ۷۹) که پیشگیری از جرم را از تمامی ارکان شهر، انتظار دارد و در تلاش است تا هیچ‌گاه موضوع به نظام عدالت کیفری واگذار نشود بلکه از پیش‌آمد آن خودداری کند و در صورت بروز و ارتکاب، با مداخله جامعه مدنی، پدیده مجرمانه را در جامعه کنترل کند.

به طور مثال، در صورت بروز تصادف میان دو خودرو (بدون آسیب جسمانی به انسان یا حیوان)، جامعه مدنی آموزش می‌دهد که رانندگان خودرو، هیچ نیازی به پیاده شدن و یا

با آثار جرم و با نظر داشتن به قضایت جامعه در قبال پدیده مجرمانه با توجه به هنجارهای جامعه از طریق جامعه ارائه می‌دهد. در پاسخ جامعوی سه مطلب وجود دارد:

در گام اول، به شرایط بزهکار و بزه‌دیده توجه می‌شود و ابتدا این سؤال را پاسخ می‌دهد که آیا بزه‌دیده در قربانی شدن خود نقش داشته است؟ اگر پاسخ منفی است، شرایط بزهکار مورد تحلیل قرار می‌گیرد ولی اگر پاسخ مثبت است، تأثیر بزه‌دیده در قربانی شدن فراموش نمی‌شود. در گام دوم، اثر بزه مورد سنجش قرار می‌گیرد که آیا نظم عمومی جامعه، مختل شده است و یا دعوی با یک عذرخواهی بزهکار از بزه‌دیده، پایان می‌یابد. اگر نظم عمومی از بین نرفته است، جرم‌زدایی صورت گرفته و موضوع از طریق مصالحه و تفهمی اقدام نامناسب بزهکار، از طریق حاضرین در صحنه جرم، مختومه می‌شود. در این مرحله نیز، هیچ اثری از قوای امنیتی و قضایی نیست. ولی اگر نظم عمومی جامعه مخدوش شده است، ابتدا نظم عمومی برقرارشده و سپس به آثار جرم در جامعه عمومی توسط افراد جامعه پرداخته می‌شود. در گام سوم نیز اگر موضوع با تسامح و مصالحه خاتمه نیافت، جامعه مدنی، کیفر رساندن بزهکار یا مصالحه میان این افراد را از نظام عدالت کیفری درخواست می‌کند. نظام عدالت کیفری نیز با جلب نظر از بزه‌دیده یا عدم تأثیرگذاری وی، کیفری متناسب که شرایط بحرانی برای بزهکار ایجاد نکند، انتخاب می‌کند؛ مانند این که راستای توهین بخواهد کتابی یا مجموع احادیث در تطبیقی بخواند یا بنویسد. یا این که در دو پرونده توهین، برای جلب رضایت شاکی تلاش کند.

آنچه در این پاسخ جامعوی مشاهده گردید، می‌تواند هم رویکردی کیفرسان و هم رویکرد پیشگیرانه داشته باشد که در هر دو حالت، تعامل با بزهکار و بزه‌دیده صورت می‌گیرد. تقابل با بزهکار، عمدتاً در پاسخ دولتی صورت می‌گیرد که در برخی از جرائم فرهنگی، این موضوع مورد نیاز است. لذا رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در کنترل جرائم فرهنگی،

را داشته باشند. این موضوع نیز نوعی حمایت از بزه‌دیدگان در جرائم است (گارلند، ۱۳۹۵: ۲۶۳).

انتقاداتی به دو مسیر مذکور وارد است. نخست آن که تقویت مشارکت مردم در شناسایی مجرم یا تقاضای پاسخ دولتی، اختصاص به جرائم فرهنگی ندارد و استفاده از این راهکارها در برخی از جرائم فرهنگی قابل تسامح (مانند رابطه نامشروع دو فرد مجرد) منجر به تشديد وضعیت می‌شود و نمی‌توان میان جرائم فرهنگی قابل تسامح و غیرقابل تسامح، تفاوت ایجاد کرد. به طور مثال، هدف فرعی از استفاده از دوربین درب منزل شخصی، اگرچه قصد شناسایی قاچاقچی اموال فرهنگی بوده است ولی از آن برای شناسایی افراد فاقد حجاب شرعی در خیابان استفاده می‌گردد. ایراد دوم آن است که وقتی قانون‌گذار نسبت به برخی از موضوعات فرهنگی، جرم‌زدایی نکرده است، تسامحی دانستن یا عدم آن، امری بی‌فائده است؛ زیرا تمامی جرائم مبتنی بر اصل قطعیت کیفر و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات است.

بدین ترتیب با دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در امر پاسخ‌دهی کیفری، مشارکت مردمی در راستای عدالت ترمیمی صورت نمی‌گیرد بلکه مشارکت مردمی، بازوی عدالت تنبیه‌ی می‌شود. درنهایت باید بر این نکته تأکید کرد که پاسخ دولتی همواره تضعیف‌کننده مشارکت مردمی است و مشارکت مردمی را در پیشگیری از جرم نمی‌توان تبیین کرد؛ بلکه پس از ارتکاب جرم، مشارکت مردمی قابل تقویت است. لذا این رویکرد، در رویه عملی، نمی‌تواند توفیقاتی داشته باشد (زنیالی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) و چسباندن نقش مردم به پاسخ دولتی، الحاقی ناکارآمد است.

۲-۲- تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی
در پاسخ جامعوی، علت‌شناسی از ارتکاب جرم، تناسب‌سازی میان جرم و کیفر و رسیدگی تسامحی و مداخله‌گری افراد جامعه، صورت می‌گیرد. مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به اشکال زیر بروز می‌کند ولی لازم است پیش از پرداختن به تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به این سؤال پاسخ داده شود که آیا این تعامل مردمی در پاسخ جامعوی، به کنترل جرائم فرهنگی اختصاص دارد یا در قبال سایر جرائم

فرار کردن از صحنه جرم ندارند بلکه کافی است با پلیس تماس بگیرند تا آنان مقصود را مشخص کرده و خسارت آن از طریق بیمه به ساده‌ترین و سریع‌ترین طریق، پرداخت شود. در این پرونده، هیچ پدیده مجرمانه‌ای مشاهده نمی‌شود ولی اگر آموزش در خصوص فرار نکردن از صحنه جرم یا نیاز نبودن به پیاده شدن از خودرو به راننده کان خودرو آموزش داده نمی‌شد، ممکن بود همین تصادف، زمینه قتل یا حداقل توهین با استفاده از الفاظ ریک و ناموسی شود و خشونت در جامعه را افزایش دهد (شیری، ۱۳۹۶: ۲۷۴).

با این حال، همواره به سیاست جنایی مشارکتی و عدالت ترمیمی این ایراد وارد است که در موضوعات خشن یا نشر فساد مانند آنکه فردی از دیگری، آثار مستهجن تهیه کرده و مدام وی را تهدید کرده و أخاذی می‌کند، جایگاهی برای جامعه مدنی نمی‌توان قائل بود. یا در جرائم علیه اموال فرهنگی مانند قاچاق یا رابطه نامشروع زنان متأهل، تسامح صفر مطرح می‌شود و مراحل مختلف سیاست جنایی مشارکتی، موردتوجه نیست (شیری، ۱۳۹۶: ۲۷۹). برای این شرایط، دو پاسخ داده شده است که نخست، تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی به جرم و انحراف و دوم تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به جرم و انحراف است که در ادامه، راهکارهای تقویت مشارکت مردمی در قبال موضوعات خشن، ناموسی یا مالی، بررسی می‌شود.

۱-۲- تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی
مشارکت مردم در پاسخ دولتی به جرم و انحراف در دو مسیر شناسایی و تقاضای پاسخ صورت می‌گیرد. بدین صورت که با گزارش بزه‌دیدگی در موضوعات غیرقابل تسامح، مشارکت مردمی می‌تواند تقویت شود و شناسایی مجرم به عمل آید. به طور مثال، جامعه مدنی با نصب دوربین در مکان‌های اختصاصی خود، می‌توانند درزمنیه شناسایی مجرم، نقش‌آفرینی کنند. البته بهنحوی که با اصل استقلال فردی تعارض نداشته باشد و یا امنیت‌گرایی در جامعه را تشید نکند. علاوه‌براین، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در فرایند دادرسی دخالت نموده و تقاضای رسیدگی به پدیده مجرمانه

مردمی امریبه معروف و دخالت خواندن آن، بهوفور وجود دارد.) یا در حمایت اقتصادی و پویش‌های مدنی، باید نظارت بر آن صورت گیرد تا بزه دیگری از درون آن شکل نگیرد (در موضوع زلزله استان کرمانشاه و شهر سرپل ذهاب در ۱۸ آبان ۱۳۹۸، ۱۴۶ پرونده کلاهبرداری تحت عنوان پویش مردمی کمک به زلزله‌زدگان در استان تهران تشکیل شده است). لذا مشارکت مردمی باید از طریق تهیه زیرساخت‌ها و شرایط مطلوب صورت گیرد. در غیر این صورت، این مشارکت، تأثیر حداکثری خود را نخواهد داشت.

یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت مردم، نظارت در مدیریت شهری است. به طور مثال، اگر فساد یا جرمی ارتکاب یابد، مشارکت مردم در نظارت بر مدیران و کارکنان مؤثر است (برای مطالعه قانون سه ضربه‌ای و سپس اخراج، ر.ک. به: رضوانی، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۰۹). ولی این موضوع در کنترل جرائم فرهنگی از طریق مطالبه‌گری از نظام‌مهندسى و مدیریت شهری است؛ یعنی مکان‌های مستعد برای ارتکاب برخی از جرائم فرهنگی مانند مزاحمت، توسط مردم مورد شناسایی و از مدیریت شهری مطالبه پیشگیری می‌شود. در خصوص این‌که سازمان‌های مردم‌نهاد، جزء برنامه‌ها یا ابزارهای عدالت ترمیمی است، اختلاف‌نظر وجود دارد. بدین معنا که در آثار مربوط به عدالت ترمیمی، به این موضوع اشاره نشده است (ر.ک. به: سماواتی پیروز، ۱۳۸۵ یا ۱۳۹۷) و این موضوع را در قالب مشارکت جامعه مدنی یا هیأت‌های جامعی می‌دانند و برخی، این موضوع را به عنوان یک موضوع مستقل مطرح می‌کنند. علت مستقل دانستن این موضوع این است که در حقوق ایران به تازگی در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، آمده است که از گروه‌های خاص، در راستای حمایت از حقوق شهروندی، اقامه تعقیب فرایند دادرسی را عهده‌دار شده و کسب رضایت از بزه‌دیده نیز از وظایف این سازمان‌ها است که در تبصره ۱ این ماده آمده است. به نظری رسد «سازمان‌های مردم‌نهاد» یا «سازمان عمومی غیردولتی» یا «سَمَّن» را می‌توان یکی از کنشگران غیررسمی دانست که در کشف و پیگیری فساد نیز مؤثر است. داوطلبانه بودن، صلح‌طلب بودن، حل اختلافات، اقدامات خیرخواهانه از مهم‌ترین ویژگی‌های این سازمان‌ها

نیز همین مطالب بازگو می‌شود؟ اگرچه این موضوع انحصاراً به جرائم فرهنگی مختص نمی‌شود ولی تأثیر اصلی مشارکت مردمی در جرائمی است که توسط عموم افراد جامعه قابل ارتکاب است و دامنه مرتکبین آن از سایر جرائم بیشتر است. لذا نمی‌توان به اختصاصی بودن این مسیر اذعان کرد ولی می‌توان بر تأثیرگذاری حداکثری آن در کنترل جرائم فرهنگی تأکید نمود. اکنون اشکال سه‌گانه مشارکت مردمی در پاسخ جامعوی برای کنترل جرائم فرهنگی بررسی می‌شود.

زمانی که یکی از بانوان جامعه، قربانی جرم مزاحمت شود، مشارکت مردمی در حمایت از بزه‌دیده به عمل آمده و ابتدا با ترس قربانی جرم از طریق التیام شرایط روانی وی صورت می‌گیرد. سپس راهنمایی برای بهره‌مندی از پاسخ دولتی یا برای مقابله با تکرار جرم، تکرار بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگی ثانویه، به عمل می‌آید. بدین ترتیب، حمایت اجتماعی از قربانی با مشارکت مردمی محقق می‌شود. از طرفی اگر قربانی جرم، نیاز به حمایت اقتصادی داشته باشد، مشارکت مردمی در قالب پویش، به نیاز اقتصادی قربانی جرم، پاسخ می‌دهند و حمایت اقتصادی نیز صورت می‌گیرد. این موضوع منحصر به جرائم فرهنگی دارای بزه‌دیده نیست. بلکه در جرائم فاقد بزه‌دیده مستقیم مانند جرائم علیه اموال فرهنگی یا جرائمی مانند عدم رعایت حجاب شرعی، اعمال منافی عفت و انتشار تصاویر مستهجن، اگرچه بزه‌دیده مستقیم و شخصی برای آن قابل ذکر نیست ولی مشارکت مردمی موجب بازسازی اجتماعی در این گروه از جرائم فرهنگی نیز می‌شود. بدین صورت که جامعه و مردم در تلاش می‌کنند تا آثار جرائم مذکور، نسبت به اطفال یا گروه‌های خاص مطابق تعليمات پیشگیری اجتماعی جامعه مدار، صورت گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۴۴).

مشارکت مردمی بدون توجه به زیرساخت‌های فرهنگی (نظری یا تئوری) و عملیاتی (ساختاری) غیرممکن است زیرا با اصل استقلال فردی تعارض دارد و موجب برهم زدن نظم عمومی می‌شود. به طور مثال، امریبه معروف و نهی از منکر، اگر در جامعه نهادینه نشود، به عنوان دخالت در زندگی فردی معرفی می‌شود (در فضای مجازی مشاهده می‌شود که موارد

شرایط حمایتی و مشارکتی را فراهم سازد. نهایت آن که در سیاست جنایی مشارکتی به جرائم خشونت‌بار فرهنگی یا جرائم فرهنگی مبتنی بر حیثیت فرد یا خانواده، بهدلیل عدم امکان گسترش مشارکت مدنی، نقاط ضعفی مشاهده می‌شود که تاکنون هیچ محققی در این رابطه، اظهارنظر نکرده است و باید منتظر بود که پویایی و فعل بودن سیاست جایی مشارکتی در این زمینه ترسیم شود یا نظر به ایستایی و منفعل بودن آن، بدیهی و آشکار شود.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، بررسی رویکرد «سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرائم فرهنگی» است که برای این منظور، مدل مفهومی در گونه‌های جرائم فرهنگی تهیه شد و مطابق آن، چهار دسته از جرائم فرهنگی در سیاست جنایی تقینی ایران شناسایی و دسته‌بندی شد. مطابق این مدل مفهومی، منظور از جرائم فرهنگی، جرائم علیه اموال فرهنگی، جرائم مربوط به رفتار، جرائم مربوط به پوشش و جرائم مربوط به نشر فحشا است که در سه قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند ۱۳۸۶ جرم‌انگاری صورت گرفته است و سایر موضوعات به عنوان جرم فرهنگی مقبول دانسته نشد. ملاک در تعیین جرم فرهنگی، این است که هدف و آثار جرائم فرهنگی، نقض فرهنگ، باور و هنجار و عرف جامعه باشد. سیاست جنایی مشارکتی نیز، دخیل ساختن مشارکت مردمی را دنبال می‌کند که هدف اصلی این سیاست، پیشگیری (اجتماعی) است. سؤال اصلی تحقیق این بود که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرائم فرهنگی چیست؟ که نتیجه نهایی این است که تقویت مشارکت مردمی در پاسخ جامعوی در مقابل جرائم فرهنگی، (برخلاف تقویت مشارکت مردمی در پاسخ دولتی)، مؤثر و مطلوب است برخلاف تقویت مشارکت مردمی در پاسخ دولتی. از طرفی، سیاست جنایی مشارکتی، در حال حاضر، با چالش‌های جدی روبرو است و تداخل با اصل استقلال فردی یا افزایش اقتدار گونه امنیت‌گرایی از یکسو و از سوی دیگر، عدم تشریح جایگاه مشارکت مردمی در جرائم خشونت‌بار یا فاقد بزه‌دیده مستقیم یا در جرائم

است. این سازمان‌ها، در معنای عام به مفهوم سازمانی است که قسمتی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود ولی به عنوان واسطه بین تمام افراد جامعه و قوای حاکم و همچنین بین ساختهای متکثر جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع می‌توان استقلال سازمان‌های مردم‌نهاد از دولت را مهم‌ترین و بالرzes ترین امتیاز این سازمان‌ها محسوب کرد که به آن‌ها کمک می‌کند بدون نیاز به فرآیندهای اداری و با استفاده از طرفیت‌های اجتماعی برای تحقق اهداف خود تلاش کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد به صورت غیرانتفاعی و برای اهداف غیرسیاسی و غیرتجاری تشکیل می‌شوند. این سازمان با توجه به آیین‌نامه تشکلهای مردم‌نهاد که در شهریورماه ۱۳۹۵ در هیأت دولت به تصویب رسید، سازمان نهاد غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده و با رویکردی اجتماعی توسط جمعی از اشخاص حقیقی به شکل داوطلبانه تشکیل و اداره می‌شود. خیریه‌ها در سراسر دنیا به عنوان یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت می‌کنند که اهدافی مثل کاهش فقر یا تبعیض را در نظر دارند. نظام‌مندی خیریه‌ها می‌تواند فعالیت‌های آنان را اثربخش‌تر و مستحکم‌تر سازد (بابایی و صفایی آتشکده، ۱۳۹۳: ۸۱-۱۰؛ رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۶۸؛ سودمند راد، ۱۳۹۵: ۶۰-۶۵). نکته نهایی در خصوص کنترل جرائم فرهنگی در سیاست جنایی مشارکتی، چالش‌های مشارکت مردمی است که از یک‌سو ممکن است موجب تضییع حقوق بزه‌دیده یا بزهکار شود و از طرفی، مسیر عدالت از منهج اصلی خارج شود. زمانی که مردم در موضوعات مختلف، مانند برخورد نامناسب پلیس به هنجارشکنان پوشش و لباس، عکس‌العمل نشان می‌دهد ممکن است اسیر هیجانات یا سایر وقایع قرار بگیرند و از هدف اصلی خارج شوند. یا این که با انتشار مطالب در راستای جذب مشارکت مردمی، اطلاعات ناصحیح شایع شود و به حقوق معنوی یا حتی مادی افراد صدمه وارد آید. این موضوع نشان از عدم مدیریت در جذب مشارکت مردمی است که باید به آن توجه کرد. چالش دیگر این است که سیاست جنایی مشارکتی به‌تهیابی نمی‌تواند کنترل‌کننده جرائم فرهنگی باشد. باید از سیاست جنایی تقینی و قضایی در پاسخ دولتی به جرائم فرهنگی کمک بگیرد و با سیاست جنایی مشارکتی،

- بابایی، جابر و صفائی آتشگاه، حامد (۱۳۹۳). «جایگاه قانونی مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از جرم در ایران». *نشریه مطالعات پیشگیری از جرم*, ۳۳: ۸۱-۱۰۶.
- بدیع، برتران (۱۳۷۶). *فرهنگ و سیاست*. ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: دادگستر.
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۸۶). *جرائم و فرهنگ*. تهران: آگاه.
- پرسدی، مایک (۱۳۹۶). *جرائم‌شناسی فرهنگی و کارنوال جرم*. تهران: میزان.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۴). *سیاست جنایی مشارکتی*. تهران: میزان.
- جمعی از نویسندها (۱۳۹۷). *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*. به کوشش امیرحسین نیازپور و با دیباچه حسین میرمحمدصادقی، تهران: میزان.
- جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۴). *ماهیت فلسفی و جامعه‌شناسی کیفر*. تهران: میزان.
- دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۹۸). *نظم‌های بزرگ سیاست جنایی*. تهران: میزان.
- ذکایی، سعید (۱۳۹۲). *جرائم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان*. تهران: آگاه.
- رحمت، محمدرضا (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی*. تهران: میزان.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۷). *رویکردهای نوین در جرم‌شناسی انتقادی و سیاست جنایی*. تهران: مجد.
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۱). *مدیریت انسان‌دار ریسک جرم*. تهران: میزان.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶). «حضور سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری». *نشریه حقوقی دادگستری*, ۹۹: ۱۳۹-۱۶۸.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۶). *جرائم انگاری در حوزه فرهنگ*. تهران: مجد.

فرهنگی مبتنی بر حیثیت، مهم‌ترین چالش‌های سیاست جنایی مشارکتی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد است.

سهم نویسندها: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندها انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- آسیایی، رؤیا (۱۳۹۶). *درآمدی بر جرم‌شناسی فرهنگی*. تهران: مجد.

- آفائی، سارا (۱۳۹۷). *تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی*. تهران: میزان.

- ابراهیمی جرجانی، حدیث (۱۳۹۷). *واکاوی تدبیر تقنینی و قضایی در قبال جرائم فرهنگی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، شاهروود: دانشگاه آزاد اسلامی.

- اکبری، مسعود و قناد، فاطمه (۱۳۹۵). *پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران*. تهران: مجد.

- امانی، مجتبی (۱۳۹۵). *ارزیابی مداخلات کیفری در حوزه پژوهش جوانان از منظر جرم‌شناسی فرهنگی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی.

- ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۸). *مجازات و کنترل اجتماعی*. تهران: میزان.
- سجادی، سیدعماد (۱۴۰۰). *تحولات اجتماعی و جرائم اخلاقی و تأثیر آن بر رویه قضایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- سودمندراد، امیر (۱۳۹۵). «نقش حمایتی سازمان‌های مردم نهاد در فرایند رسیدگی کیفری». *نشریه دادرسی*، ۱۱۸: ۶۰-۶۵.
- شیری، عباس (۱۳۹۶). *عدل‌اللت ترمیمی*. تهران: میزان.
- گارلند، دیوید (۱۳۹۵). *مجازات و جامعه مدرن*. ترجمه نبی الله غلامی، تهران: میزان.
- گسن، رمون (۱۳۷۰). *جرائم‌شناسی نظری*. تهران: مجد.
- گسن، رمون (۱۳۹۲). *جرائم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)*. ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران: میزان.
- لازرر، کریستین (۱۴۰۰). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- محمدی، اقبال (۱۳۹۲). *عامل‌شناسی فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- محمدی، فاطمه (۱۳۹۷). *بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دختران نوجوان به خردمنگ‌های مجرمانه در شهر مشهد*. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۸۵). *فرهنگ نامه فارسی*. تهران: سرایش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی*. مقطع دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.